

A Rare Collection of the

ROYAL FIRMANs

(ILLUSTRATED)

BY

BASHIR UDDIN AHMAD, M.R.A.S.,

DELHI.

1926.

(All rights reserved.)

1ST EDITION.

1,000 COPIES.

Price without Binding ..	Rs. 3-8-0.
„ with Binding ..	Rs. 4-8-0.

Postage for Unbound As. 11.

„	„	Bound	„	14.
---	---	-------	---	-----

فہرست فرامین سلاطین

متعلق درگاہ اجمیر نقشہ

ردیف	تاریخ	بعد سلطنت	موسوم	صاحب فرمان	محل عطا	پیش فرماں	نمبر جی	نمبر جی	خلاصہ فرمان	صفحہ کتاب	کیفیت
۱	فرمان	جلال الدین محمد اکبر بادشاہ	حکام و عمال و نصیریان	شیخ حسین	موضع بٹیرہ	x	x	x	عطاءے معاش یک تنگہ	۱	
۲	فرمان	جلال الدین محمد اکبر بادشاہ	وکلار و حاکم شہزادان اجمیر	خواجہ حسین	درگاہ نمبر لہفہ	زی قعدہ	x	۹۶۹ھ	۱۵۶۱ء	۱	سوالہ کھنڈہ بابت
۳	فرمان	" "	شیخ حسین سجادہ نشین	شیخ حسین سجادہ نشین	"	شعبان	(۵)	۹۶۴ھ	۱۵۶۱ء	۲	
۴	فرمان	محمد نور الدین جہانگیر	حکام و عمال	شیخ حسین	"	x	x	۱۰۲۱ھ	۱۶۱۲ء	۳	
۵	فرمان	"	"	"	"	x	x	۱۰۳۴ھ	۱۶۱۴ء	۴	
۶	فرمان	"	"	شیخ عظیم الدین	موضع گیلوٹہ	۱۵ شہر لور	(۲۲)	۱۰۳۶ھ	۱۶۲۶ء	۸	عطاءے وضع گیلوٹہ ساج
۷	فرمان	محمد شہاب الدین شاہ جہان بادشاہ غازی	"	شیخ ولی محمد	درگاہ شریف	وزیع المال	(۲)	۱۰۳۹ھ	۱۶۲۹ء	۹	عطاءے منصب سجادگی

فہرست فرامین سلاطین

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۸	فرمان	محمد شهاب الدین شاهرخ جهان بادشاه غازی	حکام و اعمال	اولاد حضرت خواجہ بزرگ	موضع گناہیں	۲۱ ربیع الاول	(۴)	۱۰۴۱ھ	۱۶۳۱ھ	عطاے معاش گناہیں	۱۰	
۹	فرمان	"	"	متولیان	درگاه شریف	۱۲ رجب	(۱۲)	۱۰۵۰ھ	۱۶۴۰ھ	منصب سجادگی	۱۱	
۱۰	فرمان	"	"	اولاد شیخ علم الدین	موضع دلوڑہ	۱۲ ذی الحجہ	(۱۲)	۱۰۵۲ھ	۱۶۴۲ھ	عطاے موضع دلوڑہ	۱۲	
۱۱	فرمان	ابوالعدل غزنی الدین عالم گیر بادشاہ غازی	"	پسران میر غیاث الدین و غیرہ	موضع بدھ گاہوں پر گنہ دعوتی اجیر	۲۶ محرم	(۳)	۱۰۵۹ھ	۱۶۵۹ھ	عطاے معاش موضع بد گاہوں	۱۶	
۱۲	فرمان	ابوالعدل غزنی الدین ملکیر بادشاہ غازی	حکام و اعمال	امام الدین سجادہ	موضع ارڑکہ پر گنہ دعوتی اجیر	۲۵ رجب	(۵)	۱۰۶۲ھ	۱۶۶۱ھ	عطاے معاش موضع ارڑکہ	۱۹	
۱۳	چٹھہ فرمان	شہداد عالم بہادر شاہ بادشاہ	سجادہ عاصب	شیخ سراج الدین	موضع گیلوٹہ پر گنہ نرائنہ	۲۵ ربیع الآخر	(۴)	۱۱۲۲ھ	۱۶۱۰ھ	عطاے منصب سجادگی روضہ منورہ متعلق معاش موضع گیلوٹہ	۲۲	
۱۴	چٹھہ فرمان	محمد شاہ بادشاہ غازی	سید محمد حسن	سید محمد حسن وغیرہ	درگاہ شریف	۲۴ شوال	(۱)	۱۱۳۱ھ	۱۶۱۸ھ	تقرر یومیہ نیم روپیہ	۲۴	
۱۵	چٹھہ فرمان	"	شیخ منیر الدین	"	"	غورہ رجب	(۲)	۱۱۳۳ھ	۱۶۱۹ھ	سجادگی درگاہ شریف	۲۵	
۱۶	"	"	مسماۃ بی بی کمال	مسماۃ بی بی کمال	"	۱۶ محرم	(۹)	۱۱۳۹ھ	۱۶۲۶ھ	عطاے عسکریہ زمین دروہی اجیر شریف	۲۶	

[illegible]

فرمانین سلاطین بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فرمانین و نگرانی اجمیر فقط فرمان محمد حلال الدین اکبر بادشاه

(۱) خواجہ معین الدین قدس سرہ جمیع مطالب اسعاف تمام و مر اقب آمال اولاد و انجاد
در بوقت فرمان عالیشان سعادت نشان از قلم عاطفت و احسان بادشاهی شرف نفاذ یافت بمیرہ از
چیتو کہ جمع آن مبلغ یک لک تنکمر اوی است حسب الحکم خفایق دست گاہ قطب العارفین غوث الاعلیٰ
از بغیر متدی آصف خاں مقرر باشند کہ حاصل سال بسال بزرگدہ اماجد الاقیقانی الاہام کمال ترتیب شش حسین
در و ہدیہ سیر خاں ابدی و ضروریات آن در او یکم باید کہ بدوام دولت ابد انجام قیام و اقدام نماید حکام کرام و ہوا
و عمال متصدیان مہمات سرکار نہ کہ مقرر در اسطہ موبخ نہ کہ را بصر فک مشائے ہائے بسیار پت نہا ہنشا الیہ
گرواند و از مال و بہات و تمامی حوالات و اخراجات و کل تکالیف و یوانی سعادت سلم تر خاں و مر فروع اعم
نشناختہ پیراجہم و رسم نفوس نہ نشاندہ و کشتہ و شستہ مطلقاً پیراموں نگروند و جانب بشارت آن دولت
پنہاہ را غنیمت دانستہ و در تعلیم و تکریم او و کسان و مردم او را موثر دانند و ہر سال لہ بخرمان و ہر وادہ پنج غنیمت
و محتاج نہا زند حسب الحکم جہان مطاع از مضمون صدر و در نگز نہند

بالمشاوہ العلیہ الوالیہ خاقانیہ سمن

(۲) فصل فرمان محمد حلال الدین اکبر بادشاہ عاری
مہر بادشاہ

خواجہ معین الدین چیتی (بخط طلاء)

مہر بادشاہ

و کلام مستعبدان مہمات خطا جمیر بدانشند

بوقت عوض رسانیدند کہ در ارضی ایشان کہ جو از متبرکہ متبرکہ

کہ و شد قطب الاقطاب

که قطب الاقطاب موی البیه واقع است بعضی مردم اموات خود را بے اذن ایشان و قرن بیستامیند
اگر واقع باشد حکم فرمودیم که بعد البیوم هیچکس میت خود را در ارضی حواری مقبره متبرکه که مذکور بے اذن
فقیهست آتیب کمالات اکتساب بهیچ المثلخ و العظام خواجہ حسین نبیره آن قطب الاقطاب و
برفته و فن نکند۔ بیاید که حسب حکم عالی عمل نموده بقدر کسانند و اعمال مرافقه که در آن استثناء
از تدبیر الایام الی غایت بوده برک دار دارند و مانع نشوند۔ در عهد دانستہ درین باب توجہ نمایند
تحریری التاریخ شهر ذیقعد ۹۶۹ هجری۔

خواجہ معین الدین (مخطط طلاء)

جلال الدین محمد
اکبر بادشاه غازی

(۱۰۰) چوں در باب ترویج و رونق انگارانه مرشد السالکین

میسانه اولاد و احباب آنحضرت سیما شجرت آیین معرفت تزئین سیادت المشائخ العظام نظام نظامی الاولیا
الکرام وجه الزین شیخ حسن و کمال ثقت شیخ حسین بوجه و اتمام عام حالهم امر تو لیت راجعه الملک
فقیهست شکار کامل الاخلاص قصاصت آثار سخن خدمت مستوجب الرعایه الموصوف
بالنصرت نموده شیخ حسن را که شین و مرشد ایشان است به سجاده نشینی تصفیہ فرمودیم و فرمان
واجب الادعان صدور یافت که از قریبی و جدیدی بحسب فرامین مطاع در وجه ضروریات و عمار
دوار و آن لنگر منور و مد و معیشت آیین مشار البیوم مقرر شده بود تصرف عمده الملک موی البیه باشد
که سال بسال تمام و کمال ضروریات نگراندکور و عمارت و فرش و روشنی و مصالح بنج بودیه و احوال
طعام مبلغ پانزده هزار تنگه مرادی به والد که عقیقه مستوره آن سیادت المشائخ متعلق بود و دهمه رانچ باشد
مشار البیوم بسویت فصل العبد فیصل نهاده به انگار فیض انوری آده باشد۔ مجاوران را موافق معمول قدیم
بایشان داده آنچه باقی ماند آن را هم بسویت حصه نموده هر یک حصه را نصف به محبت و الفت
سلوک دانسته مطلقاً منقشه کرده تکلیف و منازعت نرسانیده و بایتم بشر الطرح دست و خاطر جوی
مرعی داشته و قیمت فرو گذاشت نکند۔ بیاید که از مصحون مذکور الصد و مطلقاً اعتنا نکند و هر یک
بجعه خود را صحتی بوده زیاده طلبی نکند۔ حکام کرام و عامل و متناثران آن مقرر داشته و لنگر فیض اثر
جداسلم و برقرار داشته از جمیع حوالات و اخراجات و مطالب دیوانی معاف و مرفوع القلم شمارند

وینج جهت دخل نکرده ارتیر و تبدل مصنون و مایون شنما خننه فرمان مجدد طلب ندارند- تقریر

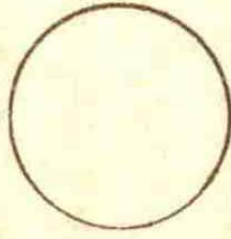
الی الامر العالمی و خلیفه زمان

پروانه صدارت پناه معالی دستگاه معرفت انقباه واقف مواتع العلوم و الحکم اکابر الفضائل
عذیل الوجه اتم مرئی العلماء مقوی الفضلاء صدر شیخ صدر رفیع القدر شیخ عبدالبنی صدر-

نقل فرمان

(۴)

محمد نور الدین جهانگیر باوشاه و خدایه الله فی الجنان بخون تولیت اثبات اولاد حضرت خواجه بزرگ قدس سره



مهر که در اس اسما از امیر صاحب قران
تا بشاه جهانگیر منقوش اند

طسرا باسم بادشاه

خواجہ معین الدین حسنی اسی بنی قدس سره

پروان رعایت و مراجمت حال سالکان مساک تحقیقت و هر پروان منافع تقوی و صلاحت سیما
چشمه که قاسمت با قاسمت ایشان بسو و حسب و علو نسب آراستہ باشند از فاضل تمجرات امور سلطنت
و خلافت عظمی میدانیم لهذا درینو لا فرمان عالیشان و محنت عنوان از کمرین لطف و احسان شرف صدور
و غایر یادافت که از ابتداء خریش محققان کل منصب تولیت فرار فائز الالوار حضرت کرامت
منزلت هدایت مرتبت قطرب الاقطاب کنز السالکین برهان المحققین غوث الاسلام و المسلمین
به دستور سابق بسبب و وفصل کامل تاب کمالات الکتاب تورع اثار قدوة المشایخ الکبار
شیخ حسین که منیر و صاحب مقام آنحضرت است مقصود متعلق باشد که کی پیشی بلو اعرام مذکور
قیام و اقدام نموده در و انج آن مزار کنز الانوار و قیقه نامرعی نگذارو- پیداید که حکام
و اولو بیان عظام و عمال کفایت فرجام و متصدیان جهات دیوانی صوبه اجمیر آن محنت پناه
را متولی آن مقام بخش احترام و استند دست قدمی و تکفل او را در امور متعلقه آن قوی دانند
خدام و موقوفان و سایر عمل و فعل آن مزار فیض بخش مشارالیه را متولی خود دانسته آنچه شایسته
انوار و احترام بپوشد و جمیع امور به تقدیم رسانیده از صلح و صواب بدیومی البیه سبزل رو
مختار الدولیه العالمیه مستشار الخافیه اسطانیة عمدة الملکی مدارالمهامی آنکه یک نفر نویسنده همراه آن

طعنا باسم بادشاه المتعا

مهر بک که در امانشاهان سلف منقوش اند

حضرت خواجه معین الدین چشتی

چون مواضعیک که بصیغه وقف قرار نداشت الا نوار حضرت قطب الدار فین غوث السالکین حضرت خواجه معین الدین چشتی مقرر است -

قبل ازین بموجب یادداشت واقع ۱۹ ماه مرداد الهی ۸۳۵ هجری کاشده بود که از قرار سه حصه نمود یک حصه را بهجت خریج و انگور و ششانی و اخراجات عرس و روضه تبرک گاه داشت و یک حصه در وید معاش میشت بنایخ حسین اعتنا نموده و یک حصه را بفقره و تنگه داران شمت نمایند و عاچی مبرک حسب الحکام الاقدس شمش موضع را که رقبه آن چهل و پنج هزار و هفتصد و بیست و یک زمین و حاصل نه هزار و پنجاه و دویست و ازان ملک یک حصه یا نود و هزار بیست و یک و شش و نعل حج و روضه نموده و نود و نیمه را که سی هزار بهجت صد بیست و یک جانشینش هزار و هشتاد و دویست و یک بموجب تفصیل علیحدہ صد و نه نفر فقراء و خوا ۵۰۰ و ده و فقرا که از نظر اشرف اقدس گذشتند پنج عبد الرحیم و غیره شش صد و بیست و هشت نفر که بیست و هفت هزار و بیست و یک بیگ و دویست و بیست و یک من غله داشتند بحال خود حکم نمود و نیمه را بر طرف فرمودیم و جامعیت فقره که سه هزار و دویست و بیست و یک بیگ و هفت من و شش آنار غله داشتند به نظر اشرف نگذشتند و اکثر از جماعه فقره و تنگه داران از انجا میر تمامه ماند و در رکاب ظفر انتساب آمدند و لجر عرض مقدس رسید که زمین و غله مذکور بان جماعه از وقت روضه منوره مقرر بوده و حاصل وقف بفقره و مساکین و عاقلان و طالب علمان صرف میشود و در امیر از قسم فقره و مساکین و عاقلان و تنگه داران از وقت می یافتند - تعیین جماعه اند و آنهارا نیز از زمین و غله و تنگه که از روضه منوره مقرر بود از محل و جمعیت نداشتند و جماعه کثیر اند بنا بران فرمان عالیشان و محبت عنوان شرف اصدار و غرا برادر یافت که جماعه در امیر به نظر اشرف گذشتند اند و از راضی و غله تنگه آنهارا نصفه زیاده و محبت شد و یادداشت نمود و درست ساخته اند بموجب یادداشت واقع مسطور دارند و جماعه که از نصف کم حکم شد و بعضی در کل بر طرف شده اند از راضی و غله تنگه آنچه داشتند اند از قرائصه متصدیان بهماست آنجا از ابتدا آنرا خریف قوی میل حسب الضمن تنخواه دهند که صرف معیشت خود نمودند بدعا و دوا و ولایت ابد قرین شتغال نموده باشند و نیز حکم اشرف اقدس بنفاذ پیوست

ما صغیر قبل ازین حکم شد.

۲۰

در پیون لام حست شد

۱۱

اراضی

五

مکملہ

معاد غفر

مس

۴۰۲

عمر جمال خود

مشاور

از جماعت قاضی نظام

ارافی ص میگ

غلام شاد

قطر فیضان محمد زکریا صاحب دہستان عالی

محمد نور الدین جہانگیر بادشاہ غازی
حضرت خواجہ بزرگ برہنہ

خواجہ معین الدین چشتی

طغیا با هم باوشاه

مهری و شاه

در موقوفت فرمان عالیشان سعادت نشان شرف اصدار و خیر باد یافت که موضع گیلو ته
من اعمال پر گنده زانیه مکرار صوبه اجمیر که مبلغ موقوفه و پنجاه روپیه جمع وار و بطریق در سبست من ابتدا
خریف در وجه مدد معاش حقایق و معارف آگاه شیخ عظیم الدین برادر ازاده خواجہ حسین بنیر
قطب الاقطاب مقرب بادشاہ جبرونی حسب لخصن مقرر باشند کہ حاصلات آنرا فصل فیصل و
سال بسال صرف نموده بدعا گوئی دوام دولت ابد پیوندش خصال بنموده باشند۔ بیاید کہ
حکام و عمال و جاگیر داران و کمروریان حال و انتظام در استعمار و انتظار این حکم اقدس اعلی
کو ششیدہ موضع مذکور رابط طریق در سبست بہ تصرف مشایرہ باز گزارند و اصل و مطلقاً تغیر و تبدیل
بدان داده نہ ہند و بیاعت مالوہ ہات و اخراجات و عوارضات و کل تکلیف و یوانی و مطالبات
سلطانی و اخراجات نہ راستند و ارجیع وجہ ہاست و حالات معاف و مسلم و مرفوع القلم شکر وہ درین باب
ہر سال نہ ہر مان و حکم مجب و نطلبند و از موقوفہ تخلف و اخراجات نورزند و در عہد رشتا ہند
موقوف ۵۱ شہر یو رسلطیہ جلوس علی۔

مشرع محسن مدد معاش با حکم علیم الدین برادرزاده خواجہ حسین موافق یادداشت واقع روز ماه مهر سال ۱۰۰۰ جلوس مطابق یوم شنبه ۱۵ مهر شوال برساکیادت و نقابت پناه صدارت و مساللی و دستگاه و صدر الصد و موسو خیال و لونیت و واقعه نویسی مکتوبین نیکان علی نقی آنکه حقائق و معارف آنگاه شیخ علیم الدین برادرزاده شیخ حسین تیره حضرت قطب الاقطاب به نظر اشرف اعلی گذشت بموجبی همی نوایب خورشید بصحاب مہد علیا از قرار ۲۳۳۱ امراد و سلسلہ حکم جهان مطاع آنقباب شعاع گردان ارتقا صاعدا شدہ کہ موضع کیلو مت من الحل پرگنہ نرمانہ سرکارا جمگیر کہ مبلغ بہ قصد و نجاہ رویہ جمع دار و بطریق درست در وجہ مدد معاش مشارالیمہ مقرر مقفوض باشد بموجب تصدیق یادداشت فکمی شد شرح حاشیہ خط واقع نویسی مطابق واقع است - شرح بخط قدوہ نویسنہ ملبنہ مقام عمدہ مریدان سعادت نشان نظام الدین آصف جایی آنکہ داخل واقع نمایند بخط عمدہ ملکی مدارالمہامی آنکہ بغرض اشرف مکرر برسانند شرح بخط سیاست و نقابت پناه موسوخیان آنکہ روز ۱۲۰۱ - امرودا الہی سلسلہ مطابق یوم چهارشنبه عشر ذیقعد ۱۰۰۰ کہ مکرر بعرض اشرف اقدس اعلی رسید شرح بخط عمدہ الملک کریم السلطنت العلیہ عالیہ مختار الدار والہ الحاقا فی عمدہ الملکی مدارالمہامی نوایب الہامی از خرافت نو سفان نسل فرمان فکمی نمایند شرح تہجی آنکہ - حقیقا جید سلامت - موضع کیلو مت کہ بہ قصد و نجاہ رویہ جمع دار و در وجہ مدد معاش شیخ علیم الدین اجیری درست خواہ و ہند تہجی فی التاریخ ۲۰ خور واد ۱۳۳۰ شرح بخط قدوہ نویسنہ ملبنہ مکان نظام الدین آصف جایی آنکہ تصدیق نویسنہ - در بخا موسو در فرستادرت منقوش شدہ

بہ صیغہ مدد معاش -

فرمان محمد شہاب الدین شہاب بجہاں بادشاہ غازی

محمد شہاب الدین شہاب بجہاں بادشاہ غازی مشربا ثبات اولاد حضرت خواجہ بزرگ

طغرا باسم بادشاہ

خواجہ حسین الدین چشتی

مہر شہاب الدین بادشاہ

درینوقت فرمان عالیشان سعادت نشان مشرف اصدار و خواہیاد یافت کہ منصب بجایگی غفران

پناه رضوان دستگاه قطب الاقطاب مقرب بارگاه جبروتی به سعادت نایب کمالات انساب
 نجته المشایخ العظام شیخ معین الدین از تغیر شیخ ولی محمد بامشارکت و مساهمت احدی حسب الضمن
 منقر و سلم باشند که ما بنی بلو از هم و مرهم منصب قیام و البیام نموده و قیقه از و قاتق حزم و احتیاط
 در اس بات مرعی نگذارند میباید که حکام و عمال مقصد یابان مہمات و جاگیر داران و کرو و ریان حسن
 و استقبال و راستنار و استقرا را بر حکم اشرف اعلیٰ کو شیبہ مشارالیه را صاحب سجاد و دانش
 و دست فہمدی مومی الیہ را امور متعلقہ آن امر قوی و مطلق داشتند نگذارند کہ دیگرے در ان
 منصب دخل نماید و پیرامون آن گرد بہ خدمہ و عمل و فعلہ و زائران و وظا کفان آن روضہ منورہ
 آنکہ مشارالیه را صاحب سجاد و علی الاطلاق دانش تمامی امور متعلقہ و مرچہ را مخصوص او بشوند
 از فرمودہ و تحلف و انحراف نوزندہ۔ بشرح موافق یادداشت و واقع بتاریخ اصدرا آبان الہی سہ
 موافق یوم شنبہ بتاریخ ۹ شہر ربیع الاول ۱۳۳۷ ہجری سعادت و نقابت پناہ صدارت و معالی
 دستگاہ حلیل القدر رفیع المکان صدر الصدور و موسوخیان و نوبت واقع نویسی کترین نگارن قاسم علی
 آنکہ با تم شجنت پناہ شیخ معین الدین انجہ بتاریخ ۲۹ ماہ ہر الہی سہ بطراشرف اعلیٰ گذشت حکم
 بہاں مطاع آفتاب شعاع صا و رشہ کہ سجادگی قطب الاقطاب بہ مشارالیه مرحمت فرمود و یک ماہ اشار
 غیرہی از تہ خواجہ ولی محمد بشرح بخط عمدہ الملکی مدارالمہامی آنکہ دخل واقع نمایند۔ بشرح بخط صدارت
 و نقابت پناہی آنکہ دخل واقع نمایند۔ شرح حائثہ بخا واقع نویسی مطابق واقع است۔ بشرح بخط
 عمدہ اعلیٰ بفرش کمر رسانید۔ بشرح بخط مقرب الحضرت اسطانی حکم ربیع الزمان آنکہ بتاریخ ۲ ماہ
 آفر الہی سہ بفرش اشرف اعلیٰ رسید۔ بشرح بخط عمدہ الملک کریم السلطنہ الباہرہ موثق الدولہ
 القاهرہ مختار الدولہ الخ قاتی عمدہ الملک مدارالمہامی علانی فضل خان آنکہ فرمان عالدیشان تعلیم نمایند۔

نقل فرمان

(۸)

محمد شہاب الدین شاجہان بادشاہ غازی مستخون اثبات اولاد حضرت خواجہ نرنگ قدس سرہ
 خواجہ معین الدین جیشی

شہ شاجہان و شا

طغرا با سم بادشاہ

و این وقت فرمان عالیشان سعادت نشان شرف اصدار و عزایراد یافت که موضع گنا پنهان
اعمال حویلی اجمیر سرکار صوبه مذکور بطریق درو بست ابتداء نصف خریف قوی میل در و تپ
مدومعاش میخت پناه حقائق آگاه شیخ معین الدین نبیره - حضرت خواجه معین الدین قشقی از انچه
تاریخ ۱۳ راه رمضان المبارک سنه ۱۰۲۵ به نظر انوش اقدس غلیگزشت و بعضی مقدس متعالی رسید
رسید - حکم به اس مطاع آفتاب شمع گردون ارتفاع صادر شد که یک موضع از پرگناست سرکار
اجمیر که یک هزار و پیر حاصل داشتند باشند و مدومعاش مشار الیه و محبت فرمودیم - هفتاد
انوشی بود و محبت شد بموجبی بطریق بادداشت قلمی شد - شش ربع خط عمده الملک مدار الملک
آنکه داخل واقع نمایند - شش ربع خط صد است و تقایت پناهی آنکه بر سائکترین بند بادخل واقع نمایند
شش ربع خط عمده و قعر نویس موافق واقع است شش ربع خط عمده الملک آنکه بعضی کمر رسا پند شش ربع
خط اقبال پناه حکیم شیخ الزمان آنکه تاریخ ۱۳ راه مهر الهی است مکر بعضی انوش اقدس عالی رسید
شش ربع خط عمده الملک کرن السلطنة القاهرة و مومن الدوله الباهر مختار الدوله الخاقانی عمده الملک
مدار المهای غلامی فصل خاص آنکه از نصف خریف قوی میل فرمان عالیشان قلمی شد -

الحاصل

موضع گنا پنهان از حویلی سرکار اجمیر

للحوصله بر رقبه

حاصل کامل سنه ۱۰۲۵

کما و عصر

جمع جائیز از تبیر جبگیر دار

شش ربع خط عمده الملک آنکه از صوبه و سرکار اجمیر از موضع گنا پنهان نخواه نمایند - با موضع درو بست

تقلید فرمان

(۹)

محمد شهاب الدین شاه بهاس بادشاه صاحب قران ثانی اوجل الله تعالی فی الجنان بق محمد رسول الله صلعم

مستقیم نصیب سجاوگی

خواجہ حسین الدین حبشی بخط طلاع

طغرا باسم صاحبقران ثانی محمد شاه بهاس

بادشاه بخط طلاع

مهر بر کلاه اسمان شان با نقره از

ایر صاحب قران تابه صاحبقران

شانفی منقوش اند

چوں اجیرش مقدس رسید که نذر و رات و فتوحات روضه منور قدوة الواصلین مقرب بارگاه جبروتی
 بموجب تحضرتو لیان و ابالی موالی بخشیت پناه شیخ معین الدین صاحب سجاده و مجاوران مقرراست
 و در بعضی چیز با مجاوران خرشنه می نمایند حکم همان مطاع آفتاب شعاع گردون از تفاع شرف
 اصدار و غزایر و یافت که نذر و رات و فتوحات آن فرار مور و الوار بموجب تحضرتو کور سوائے
 طلا آلات و نفقه آلاتی که نندگان از شرف اقدس الرفیع همایوں و شانزاد هاسے والا گوهر عالمی خدار
 و دیگر مردم بیار ندمشائرا لیه و مجاوران حسب الضمن مقرر باشند و هر جنس دیگر بجهت روضه منوره
 در کار باشند متو لیان صرف نموده بعد از انکار کار برود و مسند رس شود شیخ موی الیه متعلق دانست
 میداده باشند و طلا آلات و نفقه آلات اگر شکست و ریخت یافتند باشند از راسست نموده
 به روضه منوره متعلق دانسته نگا دارند و اصدای و خل نه نمایند و تصرف نکنند - میساید که حکام
 و مقصد یان بهات حال و استقبال برای بموجب مقرر دانسته نگا دارند که اصدای و تکب خلافات
 حکم اشرف اقدس العلی گردد - درین باب نهایت تاکید و قدغن غلیم دانسته هر ساله فرمان و حکم مجد
 طلب ندارند - از فرموده تخلف و انحرافات نوزند و در عهد شتاسند - تحریر فی التایخ دوازده شهر
 ربیع الحریب سلا جلوس یمینت مالوس موافق شنبه نهار بقری -

شرح یادداشت واقع یوم ایلینس ۱۲ شوال سلا جلوس مبارک مطابق شنبه نهار بقری موافق
 ۲۵ - ماه مهر الهی بر سائک سیادت و نقابت پناه صفوت و معالی و تنگاه رفیع القدر رفیع الشان
 صدر الصدور موسوی بخان و نوبت واقع نویسی که ترین بند با خدای اجیرش اشرف رسانید که بموجب تحضر
 متو لیان و ابالی و موالی بخشیت پناه شیخ معین الدین صاحب سجاده و مجاوران مقرراست و در بعضی چیز با که
 مجاوران خرشنه می نمایند حکم همان مطاع آفتاب شعاع گردون ارتفاع صا در شد که آنچه نذر و رات
 و فتوحات علل و ارضی طلا و نفقه آلات که نندگان حضرت خلافت نیایی و شانزاد هاسے
 والا گوهر و دیگران بسیار ندمشیت پناه نذکور و مجاوران مقصود و دل مقدر و مفوض باشند و هر جنس
 دیگر بخبر مست روضه در کار باشند متو لیان صرف نموده بعد از ان که از کار برود و مسند رس گرد و
 شیخ موی الیه متعلق دانسته میداده باشند و طلا آلات و نفقه آلات اگر شکست و ریخت
 شود باز راسست نموده متعلق روضه منوره نگا دارند و خل تا تا تاریخ شهر ذی الحجه سلا
 جلوس موافق شنبه بموجب تصدیق یادداشت قلمی شد - شرح و تخطیبادت و نقابت
 صدر الصدور و خل واقع نمایند و غیره و غیره -

مشترک در میان شجنت پناه صاحب سجاده روضه
منوره هریس که بخیرست روضه منوره در کار باشد
متولیان تصرف نمایند و از آنکه از کار برود و
مهندس شود و بهیچ مذکور بدینند -

سی و برنجی آلات هنر
در کار باشد از شمع دان و سحره بون و قالیچه
چراغان و غیره
دو پیچ و گلچ و جام
و غیره

در لغت مغیره پارچه
زرداری گجراتی که بر قیر
پوشند

معلق مجاوران

از مردی و کوثری پارچه سفید چهارصدی
تا پال سیاه و صدی و فرو ترا
دوخته

اچ معلق از روضه منوره داشته باشد طلا
آلات و لغزه آلات اچ بندگان خلافت
پناهی و شانه را ده والا گوهر و دیگران بیاورند
و در جنس کشکست و ریخت شود راست نمود
معلق روضه منوره نگا دارند

معلق شمعین الدین مذکور داشته باشد
فقه زراشتی و مقلی پارچه سفید از خاصه غیره
پارچه سلوک باشد ششصدی یا بانیگوش
سفید و رنگین

و دو تیر از فرس باهک
و دیگر پارچه باشد

جوانات از فیل یا اسب

عبارات و اخله روزنامه و غیره

مهر موسویان

مهر و فتر

مهر

مهر

نفل فزبان

(۱۰)

محمد شہاب الدین شاہجہان بادشاہ نماز ششم بر عطیہ موضع ولواتہ بودہ معاش اولاد خود بزرگوار

اللہ اکبر

طہر با سہ بادشاہ بخط
شمارت

خواجہ معین الدین حبشی

مہر مربع کہ اسحات سہا با بن و ملی تا

بہ امیر تیمور صاحبقران مندرج است

چوں بموجب فرمان عالیشان سعادت نشان موضع دیوارہ من اعمال حویلی پرگنہ انجیر و رہ
مدومعاش شیخ علیم الدین برادرانہ خواجہ حسین نیرہ غفران پناہ رنوران و سنگاہ مقرب بارگاہ
جبروتی مقرر بود داد و رویت حیات سپردہ در نیوال کہ بعضی مقدس رسید حکم جہاں مطاع
گرووں ارتفاع منصرف صدور و غرور و یافت کہ موضع مذکور و رویت بدستور سابق بشرط
قبض و تصرف در وجہ مدومعاش سخندان شیخ علما الدین و غیرہ اولاد شیخ علیم الدین فرہور از ذکور
واناث حسب الضمن مقرر و مفوض باشد کہ حاصلات آنرا فیصل سال بہ سال صرف معیشت
خود نمودہ بدعاگوئی و وام و ولت ابد مدت اشتغال نمودہ باشند۔ مہیا بد کہ حکام و عمال
و متصدیان ہماہم و متکفلان معاملات و جاگیر داران و کروڑیان حال و استقامت در استوار
و استقرا بر این حکم انشرفت اقدس اعلیٰ کو ششیدہ آن موضع را بہ صرف مشار الیہم باز گذاشتہ
از تغیر و تبدل مصنون و تحروس شناسندہ و از جمیع وجوہات و عوارضات معارف و مسلم و مرفوع
شمرند و اگر در تحمل و دیگر چیزے داشتہ باشد آنرا اعتبار نکنند و شخصے را کہ از اولاد علیم الدین لو کہ باشد
مشترک شیخ علما الدین مذکور در ان موضع نسا زنند۔ بسا کہ چو و صریان و مقدمان و خزار خان و رعایا و
آنجا آنکہ آواجیب و حقوق دیوانی را فیصل سال بسال از آنہا جواب میگفتہ باشند از
ورمودہ تخلف و اخراجات نوزند۔ تحریر فی الست یخ شہر ذی الحجہ سلاہ جلوس ہسارک
سوافوق سلاہ ہجری۔

حضرت خواجہ معین الدین حبشی

شرح یادداشت واقع بتاریخ یوم الاربعاء ہجرت شہر رمضان المبارک سال جلوس ہمالون مطابق

۱۴ روز ماه الهی موافق سلطه بر سالک سیاست و تقابست پناه نجابت و هدایت و مستلک مورد مراد هم
 بیکران بادشاهی مطمح عنایات نمایان نشاندن شاهی صدر جلیل القدر سیه جلال و ولایت واقع نویسی
 بنده درگاه معین الدین برادرزاده خواجہ حسین بنده قطب الاقطاب که در شهر حبیب کرب
 سلطه جلوس هیالون بعض مقدس و معنی رسید که موضوع و لوازم آن اعمال برگزیده حمیه حبیب فرمان
 عالیستان از قرار تاریخ ۲۴ شہر پور ماه الهی سلطه در وجه مد و معاش عظیم الدین مقرر بود و فوت شده
 حکم جہاں مطاع آفتاب شعاع گردون ارتقاع صفا در شہر موضوع مذکور در دست پرستو سابق بشرط
 قبض و تصرف در وجه مد و معاش شیخ علما و الدین مذکور اولاد متوفی بہر کس کہ نوکر شہر تہ با شیخ علما و الدین
 شہر کہکبہ بنام شہر حبیب تصدیق با و داشت قلمی شد شرح بخط سیاست و تقابست پناه عمدہ ملکہ علی الملکہ
 ۱۵ نکر داخل واقع نمایند۔ شرح حاشیہ بخط سیاست و تقابست پناه صدر جلیل القدر رسید جلال آنکہ
 داخل واقع نمایند۔ شرح حاشیہ بخط واقع نویسی مطابق واقع است۔ شرح بخط سیاست و نجابت
 پناه مختار لہ و لہ الخاقانی عمدہ الملکہ مدار الملہامی آنکہ بعض کمر رسایش شرح بخط اقبال پناه افت
 و افتاحت دستگاہ سعدیہ خاں آنکہ تاریخ ۲۴ شہر رمضان سلطه جلوس هیالون کمر بعض شرف
 اقدس رسید۔ شرح بخط سیاست و نجابت حشمت و شوکت دستگاہ قدوہ خوانین بلند مکان عمدہ امر
 رفیع الشان ناظم منظم ملک و مال نایب و منایج ملک و اقبال گنجور اسرار بادشاهی داناے تعمیر
 الہی عمدہ الملکہ مدار الملہامی اسلام خان آنکہ فرمان عالیستان قلمی نمایند۔

جلال شاد صدد

تہرید یاس

فہم جو انداس

فی التاریخ سلطه جلوس
 تاریخ ۲۴ شہر محرم الحرام سلطه جلوس مطابق ۲۴ آذر ماه الهی نقل بدقت خاص نموده شد
 تاریخ ۲۴ صفر سلطه جلوس موافق سلطه ۱۵۵۳ ہجری نقل گرفتہ شد مع نور محمد جو حبیب یادداشت
 واقع فرمان عالیستان قلمی نمایند۔

۱۶ واقع مطابق نموده داخل روز نایب واقع تاریخ ۱۰ شہر رمضان سلطه معرفت نور محمد داخل شد۔ تاریخ
 ۲ شہر حبیب لاریب سلطه جلوس نقل شروع شد۔

تاریخ ۱۴ شہر جاوی الثانی سلطه جلوس هیالون موافق سن یکزار و پچاہ و سہ مطابق تاریخ ۳۳ رامہ شہر پور الہی

سعد نور محمد بدشت استفسار رسید۔

نقلِ سرمان

(۱۱)

ابوالفضل خیر الدین عالمگیر بادشاہ غازی اوّل اللہ فی الجنان با اسم سبحانہ تعالیٰ شایہ
خواجہ معین الدین چشتی قدس اللہ سرہ

مہربادشاہ

طغرائخط طلا با اسم بادشاہ

درین وقت بہت بہت افتران فرمان والا نشان واجب الاوفاق صاورشدم کہ موضع بدرگاہ نور بہت
جمع شصت و چہار ہزار دہام علم پرگتہ حویلی دارالخیرانجیر کہ پانصد روپیہ حاصل آہستہ از تین
اصغر علیخان وغیرہ در وجہ انجام سپیر غیاث الدین وغیرہ سپران و متعلقان حضرت شاہ نجم الدین
حسن بخری نیمہ حضرت قطب الاقطاب بطریق المتخافا فرزند ان نسلا بعد نسل بطنا بعد
بطین معانی تو نیز از خلیف سخنان نیک حسب الضمن مقرر باشند باید کہ فرزند ان نامدار گامکار والا
تبار و وزرائے ذوی الاقتدار و امراء عالمقدار و حکام کرام و عمال کفایت فرجام و مقصد بیان
ہمات سلطان و متکفلان معاملات دیوانی و جاگیر داران و کروریان حال و استقبال ابدامود
در استقرار و استرار این حکم مقدس و عملی کو پیشہ موضع مرقومہ را در دست نسلا بعد نسل بعنای بعد بطین
خالد و محمد تبصرہ آہنہا با فرزند ان باز گذارند و اوصوا دم تغیر و تبدل مصنون و محروس و انتہ
بعجلت پیش صوبہ داری و فوج داری و مالوہیات و اخراجات مثل قلعہ و حصانہ و دار و غلگاہ
و بیکار شکار و وہنجے و مقدسے و صدوی و قانون گوئی منراحم و متعرض نشوند و توفیر کل کالیفت
دیوانی و مطالبات سلطان و انچہ احسن تردد آن بیفراید معاف و مرفوع القلم شمارند و زین باب
تا کہید اکید و قد غن مبلغ دانتہ سہجہ و نہ طلبند و از سرین کر امت تبلیغ والا تخلف و اخلاف نورزند
شرح باد و انتہت پس بہت فرمای۔

شرح باد و انتہت واقع تاریخ روز پنجشنبہ بہت و ششم شہر محرم جلوس معلی موافق سن ۹۵۰ ہجری
مطابق ۲۸ ستمبر ماہ ہرسالہ سیادت و نجابت مرتبت امارت و امارت مندرست و انا سے مدارج
دین و دولت شتاسلکے مراتب ملک و ملت فرزندہ کوائے شوکت و عظمت و عظمت و خلافت و فرمانروا

اعتماد و سلطنت و کشور کشائے نظم و پیرائے معارف جہاں ستمانی عیش آرائے محافل کاملانی و قبیحہ پائے
سرا سر با و شہابی رفعت شاس فرا جہانی و آگاہی۔ جو ہر مرد و ست خفقت و وفا فروغ شمع کیونگی و عفا
نعم و دکنشائے خلعت اس خلوت سرائے خاص کار فرما سے سیف و قلم مدبر امور عالم قدوہ نوین بلند
سکمان عمدہ امرائے عظیم الشان وزیر عاصی تدبیر امیر روشن ضمیر عالمگیر لازم الاختصاص والاغراض
واجب الاسترام والایقینا زکریا سلطنت بادشاہ سلیمان اقتدار آصف جاہ نظام الملک بہادر جہ
سیاہ لار و نو بہت واقف نگاری خلیۃ الزمان درگاہ خلائق بنیاد عمل سلطنت و دو حکم صادر شد کہ موضع
بدرگاہ نور بہت مجمع شصت و چہار ہزار آدمی گزشتہ جوہلی دارالخیر جمہور از قبیل اکرم علی خان و غیرہ و
وجہ النعمان پسران تعلقان حضرت شاہ نجم الدین حسن بخاری نبیرہ حضرت قطب الاقطاب بطریق
التمعا با و فرزند ان سلاسل و بطنائے بدین سمانی تو فیہ و انچہ از حسن تردد و رجوع آن سفیر با قراہ
نہ تنویر و حسن فرود یک و اربع چہار ہفت ہجرت شمس و تخت سیاست و نجابت و مرتبت امارت اہلالت
منزلت دانائے عاریج دین و دولت شناسائے مراتب ملک ملت فرزندہ کو اسے شکرت و جنت
طراز بندہ بساط اہبت و غلقت و اقتصاد و خلافت و فرمانروائے اعتماد و سلطنت و کشور کشائے
و قبیحہ یاب سران و بادشاہی رفعت شاس فرا جہانی و آگاہی جو ہر مرد و ست خفقت و وفا۔ فروغ شمع
یک رنگی و عفا ہر دم و دکنشائے مجلس خاص و خلوت سرائے صدق و اخلاص کار فرمائے سیف و قلم
مدبر امور عالم وزیر کما حسب تدبیر مالک دار امیر و شہنشاہ عالمگیر۔ - - لازم الاختصاص
والاغراض واجب الاسترام والایقینا زکریا سلطنت بادشاہی سلیمان اقتدار۔ وزیر الملک عہد الملک
مدار الملک نظام الملک آصف جاہ بدرجہ جنگ سیاح لار لکھنؤ و واقع نمایندہ شرح و مستحضر
وزیر الملک آصف جاہ نظام الملک بہادر و انکہ کما بر بعض رسائے شہر و تخت امارت و ایالت
بنیاد اقبال و اخلاص و متفکاہ زکریا سلطنت العالمیہ سرافراز نعمت خلیفۃ الرحمان قدوسی عقیدت
نشان ضیاء الدولہ سیالہ خان آنکہ۔ کما بر بعض مقدس محلے رسید۔ شرح و تخت وزیر الملک عہد
الملک مدار الملک آصف جاہ نظام الملک بہادر بدرجہ جنگ سیاح لار لکھنؤ و واقع نمایندہ شرح و مستحضر
موضع بدوہ کاٹون رو بہت محلے پر گزشتہ جوہلی دارالخیر جمہور از قبیل اکرم علی خان۔ و غیرہ درود النعمان التوا
میر غیاث الدین و غیرہ پسران و متعلقان حضرت شاہ نجم الدین حسن بخاری نبیرہ حضرت قطب الاقطاب
خواجہ معین الدین پناہ بخشی قدس سرہ

معانی تو فیہ و جنت شد۔ شرح و تخت وزیر الملک عہد الملک مدار الملک آصف جاہ نظام الملک بہادر

از خلیف محققان میل فرود سستی همی چهارم شرم سه

صادق خط انوار

خواجہ معین الدین چشتی قدس سرہ

نصرت یادداشت و تخطی وزیر الملک عمدة الملک مدار الملہام آصف جاہ نظام الملک بہادر فتح جنگ
سبعہ سالہ آنکہ موافق صادق خاص میل آرد۔ شرح عرش چہارم شرم سه بد تخطی رسید آنکہ میسر
غیاث الدین و میر عظیم الدین و میر نظام الدین و مسماۃ حدیث النساء وزیر النساء سیران و
منفلقان حضرت شاہ بہکم الدین حسن بخاری نیمہ قطب الاقطاب حضرت خواجہ معین الدین چشتی
نسب و وزیر عجیبت الہی مشغول و وجہ کلمات معین نداند۔ امیدوار کہ موضع بدگاہی شصت
و چہار ہزار دام علمہ پر گنہ جوئی وارا نیز از تعمیر اکرم علی خان فرزند و وجہ النعام التمتع و محبت شود۔

للعون ہزار دام

حدیث النساء وغیرہ

مشترک الیہ وغیرہ سیران مشاہد حکم الدین حسن بخاری
از تعمیر اکرم علی خان

للعون ہزار دام

موسی الیہ عظیم الدین

نظام الدین

الہیہ مذکور

زیر النساء و غیرہ

للعون ہزار

للعون ہزار

للعون ہزار

ہزار

نہر

وزیر الملک عمدة الملک مدار الملہام آصف جاہ
نظام الملک بہادر فتح جنگ پیکار و ندوی
عالمگیر بادشاہ غازی

فتح شکہ ندوی عالمگیر
بادشاہ غازی

عبدالحجہ ندوی عالمگیر
بادشاہ غازی

عبارت پس پشت پابین فرمان لشریح یادداشت مند کہ بالہ۔
عبارت حاشیہ پس پشت فرمان جانب راست و رباب نوشتہ شدت فرمان و داخلہ روز ناچ
عبارت پس پشت فرمان بر حاشیہ جانب چپ و رباب داخلہ و فائز شای۔

نقل فرمان

(۱۲)

ابو العبد غزنالدین عالمگیر بادشاه غازی

باسم سبحانه و تعالی شاه

خواجہ معین الدین حبیبی مت بس سرہ العزیز

لطفاً بخط طلا باسم بادشاه

مہر باسم بادشاہ

درین وقت بمنست افتران فرمان والا نشان واجب الاذان صاورشده کہ مبلغ دولک و منکشت
 ہزار دام از موضع ارژک وغیرہ و نسبت من اعمال پیکہ جوئی و از خیر اجیران گذاشت سید حسین خان
 بہار وغیرہ کہ یکہزار و پانصد روپیہ حاصل است در وجہ انجام شدہ المشائخ اکرام سیدالسادات
 سید امام الدین سجادہ بنین رودیہ بطریق التتمہ بافرزدان از بریں پارس نکل حسب الظلم من مقرر باشد
 باید کہ فرزدان نامدار کامگار والا بنبار و وزیراے قوی الاقدار و امر اے عالمقدار و حکام کرام
 و عمال کفایت فرجام و تصدیان دیوانی و متکفلان معاملات سلطانی و جاگیرداران و کوروریان
 حال و استقبال ابدال و موہدا و راستقرار و استخرا را برین حکم مقدس معنی کو ششیدہ مواضع است مذکور یا
 در نسبت نسایل و نسایل و بلنابین بطین خالدا و غلدا متصرفت او بافرزدان بازگزاردہ از صواب
 قنہ و بدل مصئون و محروس و دانستہ بہت شکیں صوبہ داری و فوج داری و مالوہات و اجرائت
 مثل قتلک و محصلانہ و دار و بخانہ بکار و شکار و بیہی و مقدسے و صدودے و خالوگونوی و فراخ
 و متعرض نشوند و توفیر کل تکالیف و یوانی و مطالبات سلطانی و انچہ از حسن تروی و ورجع میفراید
 معاف و مرفوع القلم شمارند و برین باب تاکید و قدغن مبلغ دانستہ ہر سال از محل و نہ طلبند و از یہ مبلغ
 کرامت تبلیغ والا تخلف و اخراجات نوزند و ہر شہر صرفا المظفر نجم از جلوس والا نوشتہ شدہ ہر
 عبارت پشت فرمان

برسالت سیادت و نجابت مرتبت امارت و ایلالت مندرست دانستہ مدارج و برین و دولت شناسا
 مراتب ملک و ملت فرازندہ کو اے شکست و جہت طرازندہ بساط بہت و خلعت عتقاد خانانست
 و فرمانرواے اعظام و سلطنت و کشور کشائے ظفر پیراے سہارک ہما تباری عیش افزائے محافل
 کامرانی و قیقہ یاب سہراگر بادشاہی و فرشتاس فرا جہانی و آگاہی جوہر مراتب حقیقت و وفا
 نروغ شمع کیرنگی و صفای ہم و لکشاے مجلس خاص محرم خلوت سراسر صدق و اخلاص کار و فریادے

سیف قلم بدر امور عالم قد وہ خلائین بلند مکان زیدہ امرائے عظیم الشان وزیر صاحب وزیر امیر
روشن ضمیر عالم بقدر لازم اختصاص والاخو از واجب الاقترام والاقتیاز کرن السلطنت بادشاہ
سلیمان اقتدار وزیر المملک عہدۃ المملک مدار المہام آصف جاہ نظام الملک بہادر فتح جنگ
سید سالار یار وفادار نوبت واقع نگاری کمترین بندہ ہائے درگاہ منصوصہ کرام۔

نہر
مجدد الدولۃ عبد المجید خان
بہادر فدوی عالمگیر بادشاہ
غازی

مہر کلاں
وزیر المملک عہدۃ المملک مدار المہام
آصف جاہ نظام الملک بہادر فتح جنگ
یار وفادار سپہ سالار فدوی بادشاہ سلیمان
اقتدار عہد الملیک غازی

نہر
فتح سنگہ فدوی عالمگیر
بادشاہ غازی

شرح یادداشت واقع تاریخ روز شنبہ شہر شوال شہر جلوس مبارک معالی موافق سنہ ۱۲۸۰ ہجری
سلطانی خور وادو ہر سالہ یادداشت و نجابت و تربیت امارت و ایالت منزلت و انائے مدایع وین وود
ناتائے مراتب ملک و ملت فراز ندہ لوائے شوکت و جہت طراز ندہ بساط اہبت و عظمت عتقا
خلافت و فرمانروائے اعما و سلطنت و کشور کشائے نظیر پیرائے معارک جہان ستانی عیش رائے
محافل کامرانی و قیصریاب سرکریا و شہای ر فرشتاس ہزار جدائی و آگاہی جوہر حقیقت ورات و قاف
فروغ شمع کیرنگی و صفایہ دم و کشائے جس خاص محرم خلوت سرائے صدیقی و اخلاص کار فرائے
سیف و قلم بدر امور عالم قد وہ خلائین بلند مکان۔ زیدہ امرائے عظیم الشان وزیر صاحب تدریس عالمک
مدار امیر و کشن ضمیر عالم بقدر لازم اختصاص والاخو از واجب الاقترام والاقتیاز کرن السلطنت
بادشاہ سلیمان اقتدار مدار وزیر المملک عہدۃ المملک مدار المہام آصف جاہ نظام الملک بہادر
فتح جنگ سپہ سالار یار وفادار نوبت واقع نگاری کمترین بندہ گان درگاہ آسمان جاہ منصوصہ
قلمی بیرو و سکھ صاحب شد کہ مبلغ دو لک و پچھت ہزار کری و ام از موضع ارڈ کہ وغیرہ درجست

عمل پر گئے جو ملی والاخیر جمیہ ساز گداشتت جیسین خان بہادر دروہ العام المتفاسد امام الدین سجادہ
 نشین روضہ حضرت خواجہ بزرگ باقر زندان نسائے اجل و بطنائے بطن و انچہ از حسن ترو و مہذب
 ہمسائی تو فیہ و حمت فرمود و حکم و اقمہ و ار رمضان سے بہ حبیب باد و داشتت فی شدہ شرح و مستخط
 سیادت و نجابت و تربیت ادارت و ایالت منزلت و انائے مدارج و بیج و ولست شناسائے مراتب
 ملک و ملت و از ندہ لوائے شوکت و حمت طراز ندہ بساط است و غطست و غطضا و خلافت
 و فرمان روائے اعظم و سلطنت و کثرت کشتائے ظفر پیرائے معارک جہان ستانی عیش آرائے
 محافل کامراتی و قیقہ یاب سرباز بادشاہی و عز شناس فرا جہانی و آگاہی جو بہ مراتب حقیقت
 و وفادار و غنیمت کینگی و صفہ ہمد و کشتائے مجلس خاص محرم خلوت سرائے صدق و اخلاص کار
 فرمائے سیف قلم مدبر امور عالم قدہ و خوائین بلند مکان عمدہ امرائے عظیم الشان و زبردست بہر
 ممالک مدارا میر و کشن ضمیر عالم قدار لازم الاختصاص و الاغزاز واجب الاحترام و الامتياز کرن
 السلطنت بادشاہ سلیمان اقتدار و وزیر الممالک عمدہ الملک مدارا لمہام آصف جاہ نظام الملک
 بہادر فتح جنگ سپہ سالار بار و فادار آنکہ بعض کبر و رسانہ شرح و مستخط مدبر الملک اغوالدولہ
 زکریا خان بہادر منور جنگ آنکہ بست و نیم ذی الحجہ جلوس والا مکبر بعض مقدر رسیدہ
 شہر و مستخط وزیر الممالک عمدہ الملک مدارا لمہام آصف جاہ نظام الملک بہادر فتح جنگ سپہ
 بہادر و فادار آنکہ فرمان والا نشان قلمی نمایند۔

شرح و مستخط وزیر الممالک عمدہ الملک آصف جاہ بہادر فتح جنگ سپہ سالار بار و فادار آنکہ بنظر
 درآمد۔ شرح و مستخط وزیر الممالک عمدہ الملک مدارا لمہام نظام الملک بہادر فتح جنگ سپہ سالار
 بار و فادار آنکہ از بیج پاریس میل فرو و مستخط و ار رمضان مبارک شہ جلوس بہ بحر محرم الیمہ۔
 از گداشتت جیسین خان بہادر از عبد الوہد خان پسران شیخ سعد اسد مرحوم
 حاصل الس۔ ہزار عمر۔
 حاصل صاعصہ۔

شرح و داخلہ روز ناچہ و غیرہ جانب راست پشت فرمان۔

شرح و داخلہ باہر و دفتر جانب چپ پشت فرمان۔

تایب اعتقاد خلافت و فرمان روائی اعظم و سلطنت و کشور کشائے معارف دین و دولت سیم
آرامی معارف فتح و نصرت گنج را مزار بادشاهی و انانیت این پیرائے محفل دانش و یکتائے حساب
الرائے عالم آرائے دستور و رائے محاکم مدار بر بان و کلا و زو و القدر صاحب شکر و العظمت
والا حشام و واجب الغرت و الاشراف والا احترام قد و انوار عمده امرائے عظیم الشان رکن
العجلت نظام الملک آصف الدولہ آنکھ داخل واقع نمایند۔ کل فصلت

سجادہ نشینی روضہ منورہ از تغیر شیخ خردین
شرح و مستحق وزارت پناه کفایت و شنگاہ لائق العنایت والاحسان شائستہ مراحم سیکران
مدایت المدغان نایب و یوان اعلی آنکھ داخل نمایند۔ شرح و مستحق لائق العنایت والاحسان
موز و مراحم خدیو گمان صدر رفیع القدر صدر الصدور و سید محمد خان صدر جہان آنکھ داخل
واقع نمایند بوض اقدس سید مٹا را لہیز از بنا کر قطب الاقطاب مہذب و و مر تاض است
ککش خدمت مذکور از تغیر شیخ خردین مشہور و معزول مٹا را لہیز مقرر باشند۔

مسککش مشہور و ط
حکم شد
مد و معاش مشہور و ط مشہور و بوجیب فرمان مرقوم ہمار حمادی الاول سلسلہ ہامل و اضائف بموجب
ان صفر مشہور و ط مشہور و بوجیب السکا ط سالانہ

کیلومتہ علمہ پر گنتہ نرائتہ صورتہ مذکور	ارخزانہ روضہ مذکور
الہزار جمع موضع	السالانہ الہزار
کیلومتہ علمہ پر گنتہ نرائتہ صورتہ مذکور	ارخزانہ روضہ مستور
الہزار جمع موضع درو بست	الہزار عصم
تحریر فی التاریخ ہند سہ لہ	مطابق وقائع کل است

مہر صدر جہان

مہر
عبد العزیز قدوسی شاہ عالم
بادشاہ

مہر اخلاص خان قدوسی شاہ عالم بادشاہ

تاریخ ۱۳۳۷، صدر ششم داخل سیاه
تاریخ ۱۳۳۷، صدر ششم تصدیق بدو فی الترتیب
بست سوم صدر المظفر نقل بدو فی الترتیب
ثانی الحال بنظر در آمد
پانصد و پیم دیگر بدو دستور منقول و محنت شد.

نقل چیم

(۱۴)

محمد شاه با دناهی بنام سید محمد حسن برادر عم زاد شیخ سراج الدین صاحب سیاه -

تاریخ روز جمعه ششم ذی الحجه سنه اصد جلوس مبارک موافق سنه ۱۳۳۷ هجری بر ساق سیادت نجابت
پناه شجاعیت و شهبادت و سنگاه سزاوار عذابت با دناهی قابل و محنت ظل الهی صدر رفیع القدر
صدر الصدور و سید امیر خزان و نوبت واقع نگاری کمترین خاتمه را دان درگاه آسمان جاه غلامی
قلعی میگردد و حکم صادر شد که سیم الله ملا قصور یومیه از اوقاف روضه منوره حضرت واقعه
بلیده صوبه دارالینیر انجیر در وجه مدد معاش محمد حسین و غیره متعلقان محمد حسین بن سید اسد الله
محنت فرمود و حکم اگر در محل دیگر حیرت داشتند باشد آنرا اعتباره نکنند. واقع ۲۴ رشتوال سنه
تصدیق یا و داشت قلمی شد.

شرح و دستخط موثق الدوله العلیه سنده سلطنته الممهده امراسه رفیع الشان زنده خاچین
بلند مکان ناظم و منظم ملک و مال نایب و منازج دولت و اقبال صاحب سیف و القلم رفیع اللوار
والعلم وزیر صائب تدبیر کیرنگ عجمه الملک مدارا لهام قطب الملک یمن الدوله سید عبدالصمد خان
لهام و نظیر جنگ سید سالار بار بار و فاقه دستور لوزر آنکه داخل واقع نمایند.
شرح و دستخط سید و نجابت پناه شجاعیت و شهبادت و سنگاه سزاوار عذابت با دناهی قابل و محنت
صدر رفیع القدر صدر الصدور و سید امیر خزان آنکه داخل واقع نمایند.

خواجہ معین الدین چشتی

از رویه تویر نام بهر میر عبد القادر منطولی روضه منوره حضرت
نیر حضرت خواجہ معین الدین چشتی تاریخ و هجرت نوازند استحقاق بدرجه کمال دارند بنابران
پانزده آنه یومیه بلا قید اساسی تویر منوره امید وارد درجه پذیر نیست بعرض القدس رسید
بشرح صدر حکم شد.

۸ ر بلا تصور یویمه

خدیجه

مشار الیم صغیر

۲

۲

سید النساء

رقیه همشیره

۱

۱

۶

۱

سماق راحت النساء و غیره همشیره زاده

۲

سماق لطیفه

مشار الیها

۱

۱

تحریر فی التایخ صدر سنده الیم

بعرض کمر در سازند

بر حاشیه

مطابق واقع کل است

بست و تفتیم حضرت جلوس مبارک بعرض کمر در رسید

پس پشت جریده داد خلد نشیان و دیوان شاهی بسپار است

اسیر خان

سپه دار خان

علام علی

سعد الملک مظفر جنگ
بها در خان ترخان

چهاردهم صفر سنده احد جلوس

تفاح چهره فرمان

(۱۵)

محمد شاه بادشاه غازی در باب تقریر تنصیب بجادگی بنام شیخ میرالدین بنیره حضرت خواجہ بزرگ قدس سرہ العزیز تاریخ روز یکشنبہ چہارم شہر رمضان سلسلہ جلوس محلی موافق سلسلہ ہجری مطابق شہر ماہ برسالمہ

سیادت و نقابت رتبت امارت و ایالت مرتبت حشمت و شوکت منزلت عمدہ اعراسے رفیع الشان
زیدہ خواہن بنند مکان الاوق المرتبت والاحسان مقرب حضرت الخاقان معتمد الملک میر علاؤ خان نالان
بہادر مسطر جنگ ترخان و نوبت واقع نگاری کترین طانہ زادان در گاہ سپہر احتشام مولانا سرام
قلعی میگردد حکم صادر شد کہ منصب بجاد و نشینی رونق منورہ حضرت قطب الاقطاب واقع
دارالخیر امیر از انتقال شیخ سراج الدین بہ شیخ منیر الدین پیر شمس و موضع گیلو تہ عملہ برگنہ نراستہ
مسکارسو نہ ند کو رجح دو ہزار روپیہ بابت بازیافت متوفی و یک ہزار روپیہ سالانہ از خزانہ و عمدہ
مذکور باندوز و وفود مشروطہ سواست حصہ وضع و الاڑہ عملہ برگنہ جو بی صوتہ مذکور و پنج آنہ یومیہ
بلا مضطر در وجہ مدد معاش او مرحمت فرمودیم اگر محل دیگر چیز سے داشتہ باشد آنرا اعتبار نگندہ۔
واقع ہذا وجوب تسلیم بوجوب تصدیق یا و داشتہ نمی شد۔

بوجوب استناد ذیل بمشائر الیہ مقرر است

بوجیب فرمان ۱۳ رجاوی الاول شمسہ عبد حضرت

خلد مکان

بوجیب فرمان تحریر فی الجیمہ عبد حضرت

حصہ موضع

۵۰

در شوال بمشائر الیہ سوار بلا مضطر مرحمت شد

بشرح دستخط

موتمن الدولۃ العلیہ معتمدہ السلطنت العلیہ عمدہ اعراسے رفیع الشان زیدہ خواہن بنند مکان ناظم مناسط
ملک و مال نایب و منساج دولت و اقبال صاحب السیف و القلم رافع اللواء و العلم و وزیر صاحب تدبیر
یک رنگ عمدۃ الملک مدار الہام قطب الملک بیت الدولہ سید عبد احد خان بہادر و زلفہ جنگ سپہ سالار
یار با وفا و مستور الفہر را آنکہ داخل واقع نمایند۔ شرح و دستخط۔

سیادت و نقابت رتبت امارت و ایالت مرتبت شوکت و حشمت مندر عمدہ اعراسے رفیع الشان
زیدہ خواہن بنند مکان الاوق المرتبت والاحسان مقرب حضرت الخاقان معتمد الملک میر علاؤ خان
خانخانان بہادر و زلفہ جنگ ترخان آنکہ داخل واقع نمایند۔

خواجہ منیر الدین چشتی

سیاہ

ازد و سہ سیاہ بہر عمدۃ الملک بختی المالک امیر الامراء بہادر رسیدہ کہ خواجہ منیر الدین چشتی سید
منیر الدین پیر سید سراج الدین سجادہ نشین در گاہ حضرت قطب الاقطاب کہ سید
مذکور فوت شدہ امیدوار است کہ بوجیب پدر سجادہ نشینی آنجا سر فراز شود و لعرض اقدس رسید کہ کوثر نایب

مهر میر احمد خان صدر حجر در آنجا نیز رسیده که سید سران الدین سجاده نشین فوت شده سید میر الدین پسر متوفی طالب علم بصلاح و تقوی آراسته لایق سجاد گیسست بدستور بدین نام مومی الیه سرقران کرده حکم شده منظور

ک فصلت

سجاده نشینی روضه مسطور از انتقال شیخ سران الدین بدین شهر الیه پیشتر

حکم

معاش باز یافت سابق

مدد معاش مشترک طایف سران الدین متوفی بموجب یادداشت عهد مرقوم سوم جادی الاول

۲۵ ررمضان سنه الیه بعرض مکرر سید فرمان درست گشته

موضع گیلوته عمده برگشته

سالانه

ال بهار جمیع

ال بهار

گیلوته عمده برگشته صوبه مذکور

سالانه از سنه زانه مسطور

ال بهار

ال بهار

تحریر فی التاریخ شهر صدر سنه الیه

مهر میر علی عظم خان نانا

تاریخ

تاریخ دوم شهر ذی الحجه

معد جان محمد قول

تاریخ ۱۴ شهر رمضان سال جلوس ال

مطابق واقع کل است

۱۴ رمضان سال جلوس ال

تاریخ چهارم شهر رمضان

فهرست پهلوان نموده

تصدیق بدفتر الیه گذشت مع جان محمد قول

تاریخ دوم ذی الحجه جلوس وال نقل بدفتر

دیوان صدارت الیه رسید مع جان محمد قول

لعل چشمت

خواجہ معین الدین چشتی قدس سره

(۱۶)

عهد محمد شاه بادشاه نازی مهر وزیر الممالک نواب قرالدین خان حسین بهادر

تاریخ رو رو جیوشت نرو شہر شہر مسم۔ جلوس مبارک موافق ۱۳۹۹ھ برابر سال یادت و اتفاق بہت
 تربت ایالت و امارت و تربت جیوشت و شوکت منزلت عمدہ اہرائے رفیع الشان زبہ خواہین بلند
 مکان لائق المرحمت و الاحسان مقرب الحضرت الخاقان معتمد الملک میر جلال مظفر خان خانانی بہادر
 مظفر جنگ ترخان و نوبت واقع لگاری کمترین خانہ زادان در گاہ آسمان جہاد غلام علی قلمی مبارک و
 حکم صادر شد کہ بہت و و دیگر زمین زمین از محل قدیم برگزینہ جوئی دارالخیر اجمیر در وہ مدد و معاش مسماۃ بی بی
 کمال و دولت متعلقان سید اسد الدین میرہ قطب الاقطاب حضرت و محبت فرمودیم اگر در محل دیگر
 چیزے داشتہ باشد آنرا عطا نہ کنند و اقیوم و شہر حبیب محبوب تصدیق یادداشت نمی کنند۔
 مخرج و تحطہ یمن الدولہ العلمیہ معتمد السلطنت الہیہ سیادت و نجابت و تربت امارت و ایالت منزلت
 و انانے مدح و برین و دولت شائے مراتب ملک و ملت اعتضاد خلافت و فرمانروائے اعتماد
 السلطنت و کشور کشائے ناظم و منظر ملک و مال نازج و منازج دولت اقبال خلاصہ مخلصان بزم
 قد و پیش قدمان معرکہ رزم عمدہ منبع الشان زبہ اہرائے بلند مکان صاحب السیف و لقم
 رافع اللواء و اعلم وزیر صاحب تدبیر یار با و فائزیک رنگ وزیر الممالک عمدۃ الملک مارالمہام اعتماد الدولہ
 محمد الدین خان بہادر پیر نصرت جنگ آنکہ دخل واقع نمایند۔
 مخرج و تحطہ سیادت و تقابست تربت امارت و ایالت و تربت جیوشت و شوکت منزلت عمدہ اہرائے
 رفیع الشان زبہ خواہین بلند مکان لائق المرحمت و الاحسان مقرب الحضرت الخاقان معتمد الملک
 میر جلال مظفر خان خانانی بہادر مظفر جنگ ترخان آنکہ دخل واقع نمایند۔

خواہ معین الدین چشتی قدس سرہ

حمید مجید مبارک

بالتاس مشار الیہا وغیرہ متعلقان سید اسد الدین میرہ قطب الاقطاب حضرت خواجہ معین الدین چشتی
 بیچ و جہ جیوشت مقرب ندارند و جماعت کثیرہ ہمراہ دارت و شپ و وزیر سیادت الہی و نماز روزہ و تلاوت
 فرقان و قرآن مشغول اند۔ امید و افضل و کریم اند کہ بہت و دیگر زمین از برگزینہ جوئی اجمیر موجب اسناد
 و حکام و رو جہ معاش موسی الیہا مقرب است نہ در گاہی عہد و مقرب شو و بعضی قدس رسید منظور حکم شد۔

عبد السلام زبین از محل قدیم

مشار الیہ

اسامی

معہ یکہ

نجیب الدار

صہ یکہ

سے بیگہ

لغشہ بلابی

ص

بخت بانو

تقریر تاریخ صدر سمنہ الیہ

مطابق واقع کل است

پانزہم سوال سمنہ وازو ہم جلیوس والا

مکرر لغیر عرض مقدس رسیدہ

وزیر الممالک قوال الدین خان

چین بہادر نصرت جنگ

عماد اللہ

مہر

فردی علی احمد خان فدوی

مجر شاہ بادشاہ غازی

بادشاہ

عہد محمد شاہ

طغرا

میر علی محمد علی خان غازی

ترخان خانہ زاد محمد شاہ بادشاہ عرف غازی

گماشتہ ہائے جاگیر داران و کروریان پر گئے حویلی دارا پیر امیر بادشاہ

علامہ آئمہ جو حیب بادشاہ است و افقہ

عہد بادشاہ مرحوم مرحوم تاریخ شاہ نذر محمد شاہ

بازو ہم شہر سوال سے بعض کمر رسید غازی

دوبست بیگہ زمین محل قدیم از پر گئے مذکور بدستور سابق مہتر عافیت و تصرف در وہ بدو معاش

مسماۃ بی بی کمال دولت متعلقان سید اسد اللہ بنیر قطب الاقطاب حضرت خواجہ بزرگ

حسب الضمن مقرر شدت باید کہ طبق بادشاہت واقعہ عمل نمودہ را معنی مذکورہ را تصرف آہنہا

فیضان

(۱۷)

غلام علی خاں زرا و محمد شاہ
بادشاہ
غازی

مہر

مہر معتمد الملک میر علی محمد علی خان غازی

مہر

باز گذارند و اصلاً و مطلقاً تغیر و تبدیل بدان را نہ ہند کہ حاصلات آنرا صرف نمودہ بدعا کے بقا
و دوام و ولایت ابد مدت مواظبت سے بخودہ باشند و اگر در محل دیگر تیزی و مشتتہ باشند آنرا اعتبار
نہ کنند۔ درین باب قدغن دانستہ حسبِ مسطورہ لعل آراء تاریخ بست و پنجم جمادی الثانی ۱۳۱۰
جلوس قلمی شد۔

عمارتِ مخمن پشت فریاد

مقدمہ شرح مخمن در وجہ مد و معاش سماۃ بی بی کمال و ولایت متعلقان سید اسد اللہ بنہ قطبِ قلات
حضرت بموجب یادداشت واقع عہد مرقوم تاریخ شانزدہم شہر محرم الحرام ۱۳۱۰ یازدہم
شوال ۱۳۱۰ مکر بموجب مقدس رسیدہ گرگنہ جوئی صوبہ دارالخیرا جمیر بدستور سابق۔

سماۃ
مسماۃ
مسماۃ

مشار الیہ	نجیب النساء	شریفہ بی بی	رحیم النساء	بخت بانو
بے بیگ	بے بیگ	بے بیگ	بے بیگ	بے بیگ

تقلید

(۱۸)

عہد محمد شاہ بادشاہ غازی

طغرا

خان خان

گماشتہ ہائے متصدیان ہجرات و جہور سکندر و ضہ منورہ قطب الاقطاب حضرت خواجہ معین الدین
چشتی قدس اللہ سرہ واقع بلکہ صوبہ دارالخیرا جمیر بادشاہ علام آنکہ بموجب التماس و کیل سید ظہیر الدین
و غیرہ الزفر زندان حضرت
نہارند و اوقات بے سریت میگذرانند اسید و اراند کہ پانز و آہ پو بیہ از اوقات روزنہ ندو رسوا
علی السویہ در وجہ معاش موکلان و محنت شوق حکم جہان مطلع عالم شریعت شہرت لقا و یافت کہ پو بیہ
مسطورہ از اوقات روزنہ ندو کہ سوائے علی السویہ در وجہ مد و معاش مشار الیہ و غیرہ مقرر باشند
لہذا حسبِ حکم اعلیٰ قلمی میگرد کہ پو بیہ ندو کہ از تاریخ ورود پروانہ حسبِ لضمین بمشار الیہ
و غیرہ میرسانند۔ تا آنکہ آنرا صرف معیشت خود ہا نمودہ بدعا کے دوام و ولایت ابد

درست اشتغال بنموده باشند اگر در محل دیگر تیرے داشتہ باشند انرا علما نہ نمایند۔ درین باب

قدغن و التفتہ حسب المسطور عمل آرند۔

تاریخ بست و ہفت شہر و قلعہ ۲۳ جلسہ والائی شدہ معہ

عبارت ظہر فرما چہ

صنن باسم سید ظہیر الدین وغیرہ از فرزندان حضرت بموجب التماس وکیل مشترا الیہ

پانزدہ آنہ یومیہ از اوقاف نہروندہ مسطور سواسے علی السویرہ از تاریخ دور و دور پروانہ

۱۵ یومیہ

کرامت اللہ

۱۴

سماتہ بی بی صاحبہ

۱۳

سماتہ امۃ اللہ

۱۲

ظفر حسن

(۱۹)

محمد جمال الدین ابوالمظفر شاہ عالم بادشاہ غازی ادخل اللہ فی الجنان۔

خواجہ سعید الدین چشتی قدس اللہ سرہ

باسمہ تعالی شانہ

طہرا باسم بادشاہ۔

نہر بادشاہ

ورین وقت یمندت اقتران فرمان والا نشان واجب الاذعان صادر شد کہ موضع گنگوانہ و تہاری
سعد موضع ناندہ سورہ علیہ کہ پیر گنج علی اجمیر کہ مبلغ ذو نہر اردو پیہ حاصل آنست از تیر شہادت غیر
دروہ انعام التفتہ حقانق و معارف آگاہ سید امام الدین بجاوہ نشین حضرت باقر ندان
بلا قید اسمی قسمت بھائی تصدیق و باد و امنست تو فیرا پنچ احسن ترو و بر جمع آن ہیفرا پیدار ابتدا
نصل برین بوقت میل حسب لضمین مقرر باشد باید کہ فرزندان نامدار کامگار و الاتبار و زرائے فرعی
الاقتدار و ام اسے عالمقدار و حکام کرام و عمال کفایت فرجام و مقصد بیان مہمات و لوائی و
مشغلان معطلات سطلانی و جاگیر داران و کزوریان حال و انتہال ابدامو بدادر استمرار مستقرار
این حکم مقدس علی کوشتیدہ مواضع مرقومہ را سلا بعد نسل و بطنا بعد بطین خالد او غلد آتہ صرف انہا ذکر آرد

و از صواد هم تغیر و تبدل مصنون و ظروف و دانسته بجلت پیشکش صوبه داری و وفوداری و مال و جهات سائر اخراجات مثل قلع و محصلاته و داروغانه و ضابطانه و شکار و ویکار و و غیره مقدره و عدد و دس و قانو نگونی مراجم و متصرف نه شوند و از کل تکالیف دیوانی و مطالبات خاقانی معاف و مر فروع اقامت شمارند - درین باب تاکید اکید و قدغن فرمید داشته هر سال سند مجد و نه طلبند و از میریخ کرامت تبلیغ و انا تخلف و انحراف نوزند -

تباریخ بستم و یکم شهر حرم احرام سینه یازدهم جلوس و الا از بیب تحریر یافت مص

عبارت ضمن پشت فرمان پنج سطر
تفصیل و بهاست

مهر

سید هدایت علی خان
قدوسی شاه عالم بادشاه
غازی

مهر کلان

نظام الملک مدار الهام آصف جاه
برهان الملک شجاع الد و ابوالمنصور
خان بهادر صفدر جنگ یار و وفادار
سپه سالار قدوسی شاه عالم بادشاه
غازی

عبارت حاشیه پشت فرمان جانب دست راست -

قطر فرمان

(۲۰)

ابوالمنطق طلال الدین محمد شاه عالم بادشاه غازی رحمة الله تعالی -

باسم سبحانه تعالی

مهر کلان بادشاه

طغراطلا باسم بادشاه -

درین وقت بستم اقراران فرمان والا شان
واجب الا و عان صا و رشده که مبلغ یک لک نوزده هزار و هشت صد

کری دام موضع نام نہ فرمود دام پورہ غلہ پر گنہ حویلی مصلحت صوبہ داران شیر احمد شیر غلام یوسف
 کہ یک ہزار و یکصد روپیہ چھل آنست در وجہ الہام سیادت و فضائل کاتب کتابت و کتابت
 سید امام الدین بطریق التتقا با فرزند ان بابا قید اسنامی و قسمت معافی توفیر از بیع پائیں کیل
 حسب لطف منقرر باشند باید کہ با فرزند ان نامدار و کامکار و الا تبار و زراس کے ذوی الاقتدار
 و امر اس کے عالیہ قدر و حکام کرام و شمال کفایت فرجام و مقصد یان مہانت دیوانی و
 متکلمان معالمت سلطانی و جاگیر داران و کروڑیاں حوالہ و استقبالی ابد او موبدا در
 استخرا و استقرا یہ اس حکم اقدس اعلیٰ کو پیشیدہ و مہاسے مذکورہ راسمہ موضع در بست
 نگاہ بدیل و یطفا بوجہ یطین خالد و محمد ابصر ف انہما باز گزاردند و از صوادیم تغیر و تبدل
 مصنون و محروس دانستہ بعلت پیشکش صوبیداری و فوجداری و مال و مہانت و اخراجات
 مثل قلعہ و محصلانہ و دار و غلگاہ نہ بیکار و شکار - دہ نیچے و مقارے و صد و دے و قانوں
 گوئی فراہم و متعرض نشوند و توفیر کل تکالیف دیوانی و مطالبات سلطانی و انچہ از حسن
 نرد و اس در جمیع اس بیفراید معاف و مرفوع الصلح شمارند - وریں باب تاکید اکید
 و تدغیرن بیع و استہ ہر سال سند مجدد نہ طلبند -
 و از بیع کرامت بیع تحلف و انحراف نورزند - یاز دہم شہر ربیع الاول سال یاز دہم از
 جلوس اقبال بالوس ہمت تحریر یافت -

عبارت پشت ضمن فرمان

بر سالہ شرف و نجاست مرتبت امارت و ایالت منزلت دانائے مدایج دین و دولت
 شناسائے مراتب ملک و ملت فراز تہ لوائے سوکست و جہشت - طرازندہ بساط اہست
 و غلظت اعتضاد و خلافت و فرمانروائے اعظم و سلطنت و کشور کشائے ظفر پیرائے معارک
 جہا نیانی عیش آرائے محافل کافرائی - جوہر مرآت حقیقت و وفا فروغ شمع کینگی و صف
 ہمد و لکٹائے مجلس خاص محرم خلوت سرائے صدق و اخلاص کار فرمائے سیف و قلم
 مدبر امور عالم قدوہ و خائین بلند زبدہ امرائے عظیم الشان وزیر صائب تدبیر مالک مدار
 امیر و شہنشاہ عالم بقدار لازم الاختصاص و الاسرار و احب الاحترام والا مبتاز کرسطنت
 با و شہاہ سلیمان اقتدار وزیر الممالک حملہ الملک مدار المہام یار و فوار شجر الدولہ بران
 الملک والا و قار اعتماد الولہ آصف جاہ نظام الملک ابوالنصور خان بہادر صفہ و نگ -

نہر

عنایت علی خان فدوی
شاہ عالم باوشاہ غازی

وزیر المملکت جملۃ المملکت والمہام

اعتماد والدہ آصف جاہ برہان المملکت
شجاع الدولہ ابو المنصور خان بہار جہد جنگ
یار وفادار سپہ سالار فدوی شاہ عالم
باوشاہ غازی

شرح باداشتت تاریخ آذر دوشنبہ نہم شہر صفر المظفر سالہ جلوس ہیمنت بالنوس موافق سنہ ۱۲۸۵
سپاہی و خور وادماہ برساہ شرافت و نجابت منقبت امارت و ایالت منزلت دانائے
مدایج وین و دولت شناسائے مراتب ملک و ملت فرازندہ لوائے شوکت و ہیمنت
طرازندہ بساط عظمت و اہت اعتقاد و خلافت و فرمانروائے اعظم و سلطنت و کشور
کشائے ظفر پیرائے مہارک جہا تپائی عیش آرائے محفل کامرانی جو ہر مرآت حقیقت
و وفای و غنیمت کیکرنگی و صفائے ہم و کشائے مجلس خاص محرم خلوت سرائے صدق و اخلاص
کار فرمایا کے سید و قلم بدبر امور عالم قد وہ خوانین بلند مکان عمدہ امرائے عظیم الشان وزیر
صائب تدبیر ممالک مدار امیر و مشن ضمیر عالمقدار لازم الاختصاص والا سوا ازواج و بیات
والا ہتیار زکین السلطنت بادشاہ سلیمان اقتدار وزیر المملکت بمائۃ المملک مدار المہام یار
وفادار شجاع الدولہ برہان المملک والافادار اعتماد والدہ آصف جاہ ابو المنصور خان بہار
صفر جنگ و نویت و ارتع نگاری خانہ زوان درگاہ آسمان جاہ عقیدت اساس نائین و اس
قلعی میگردد حکم صادر شد کہ مبلغ یک لک نوزدہ ہزار ہفت صد و زائدہ دام موضع ناند
معہ عرعر رام پور رست علیہ رکنہ حویلی دارالیزامیر از تہذیب غلام یوسف در وجہ انعام المتع
سیادت آسید امام الدین بافرزندان و متعلقان بلا قید سامی و قسمت نسلا بعد نسل و بطنا بعد
بطین و انجہ ازین ترو در جمع آن سفیر اید سعادت تو فرماہم نشوند و ہیمنت فرمودیم واقعہ ہمد
شہر صفر سالہ جو حبیب تصدیق بادداشتت قلمی شدہ شرح و مستخط شرافت و نجابت و ہیمنت
وامارت و ایالت منزلت دانائے مدایج وین و دولت شناسائے مراتب ملک و
ملت فرازندہ لوائے شوکت و ہیمنت طرازندہ بساط اہت و عظمت اعتقاد و خلافت و

نقشه

(۲۱)

ابوالیرکات معین الدین اکبر شاه ثانی باوشاه دہلی بنام صوبہ امیر سرکار انگریز بہار شمشو مثل شہر ۱۲۰
محافظ خانہ رجبہ درگاہ حضرت خواجہ صاحب -

شہر بادشاہ

فردی عقیدت و ارادت نشان لایق المصطفی والاحسان نور و حریم بود کہ شہر اسباب
چون تمامی امور نظام درگاہ شریف و بخاری و نصیب مردمان منتظم آن و خبر گیری ہرگونہ امور از
جانب حضور بودہ آمدہ درینوالا مکرر کہ رسیدن استقام درگاہ شریف از ہر تہ و
خراب است و عزیز علی مقولی کہ از طرف حضور بر عہدہ مسطور سرافراز بود اکثر اسباب
درگاہ شریف را متصرف شدہ و نیز آمدنی و بیات خورد و برد و بینا بیند و حد ما و خلق العدر الکلیف
و ایند امیر نہ لہذا نامبروہ را از عہدہ تولیت معزول کردہ و ہر حتم مرزا محمد تیموشاہ بہادر را
عہدہ تولیت و نیابت بنام دیوان سید مہدی علی خان مقدر فرمودہ سرافراز کردیم لہذا بہ آن
فردی خاص ارقام میرود کہ دیوان صاحب مدد و راجہ ہرگونہ البیق استقام درگاہ شریف اند و
تمامی خدما و خلائق اطریق دیوان صاحب موصوف کہ صاحب سجاوہ ہستند را ضمنی و شاکر اند - نزد خود
طلب ساختہ از حکم حضور والا مطلع سازند و بر بیات تمامی امور و استقام متعلقہ تولیت مذکور
قبض و تصرف و دخل و دیوان صاحب مدد و راجہ کتائیدہ و ہر مدد معیت او نشان باشند و حساب
و کتاب تولیت مسطور آمدنی و بیات از عزیز علی مقولی بدیوان صاحب ہمایش کتائیدہ و ہاند
درین باب تاکید داشتہ صیب المسطور بل آرد کہ موجب خرسندی حضور و اظہار کمال ہون
و فدویت آن فردی خاص از ان متصور است زیادہ تفصیلات -

مستحق مثل عہد ۱۲۰ محافظ خانہ رجبہ درگاہ حضرت خواجہ صاحب

فرز مطالبات بلف شفقہ والا مہر و دستخط حضور بنام کول برک صاحب بہادر نوشتہ شد -
بند اول - استقام جمیع امور درگاہ شریف بموجب دستور قدیم و اسناد بادشاہی باقیہار حسب

سجاده باشد آمده است - بند و بست آن نیز از طرف صاحب سجاده باشد و هم روزی در و زبانه
 در آن املاک و غیره علاقه درگاه حسب استصواب و استیضاح صاحب سجاده باشد و همه تحصیل تحقیق
 و بیعت علاقه درگاه و غیره خدام با اختیار کل صاحب سجاده باشد و با حضور مالک است دیگر احدی
 دخل و فراموشی نبوده و نمایند کسی که باج و قاصد کوثر خدمت درگاه باشد آنرا اگر صاحب سجاده خواهد
 بر طرفت سازد و از درگاه خارج کرده و در هم حصه و ملک و روزی قاصر خدمت موقوف شود و
 ساز و اختیار صاحب سجاده است -

بند دوم - و محاسب از انصافیت تا به فعل و غایب تحصیل دیهانت و هم حساب کوچه با
 که مال با دشاهی است از متولی معزول به صاحب سجاده به باند و آنچه از روستی کاغذ مشرف
 و صاحب سجاده از همه مراتب بند و او بر آید فوراً از حاکم و منقول و غیر منقول به صاحب سجاده
 نشان کتایبیده و بد و از آئینده احتیاط دارد که به کوچه پاسکے با دشاهی که بدرگاه شریف هستند
 کسی خیانت و دوست اندازی نه سازد که مالکیت آن یا بحضور میرسد و یا به صاحب سجاده
 دیگر کسی را دخل نیست مسم

بند سوم موضع دانشیه علیحدہ از دیهانت درگاه صرف برائے سائن متولی مقر بود و آمد
 یک که متولی باشد موضع مذکور معاش است و برائے ذات متولی نیست که به کسی گردد به بد -
 اگر کرد و مدار و عوید از ذات متولی معزول خواهد بود یا باند و دیگر که برائے ذات او مقرر است
 از آن بگیرد و موضع مذکور به معزول به صاحب سجاده که علاقه تولیت نیامد و هر چه متولی
 است از طرف لورچیم سپرد سازد و رسید صاحب سجاده بفرسید - و اگر کسی اسناد و هر چه متولی
 معزول پیش نماید ساقط از اعتبار است که فرمان حضور و ال و این امر نیست و هم متولی از
 راه فریب از صرف کردن در خطیر پیش هر شایسته شده بود - همه آمدنی درگاه را خورد و خورد
 محض غایب و غایب است عتقا و آن نباید کرد و بعضی دیهانت که متولی معزول برائے خورد و خورد
 به کسی نام اجاره است و از دست و بیاطن مطلب خود میباید از آنها برآورد و آنچه در آن خیانت
 و بطن متولی باشد از آن بصاحب سجاده به باند و دیهانت را بدرگاه شریف دخل سازد که بدون
 شهر صاحب سجاده منظور و استوار کسی نیست که بهر گونه مالک صاحب سجاده حضور است
 و هم از و شریف و شریف و شریف و غیر هم از طرف حضور از قدیم صاحب سجاده به هم میراث
 درگاه و مال و کوچه و عزل و نسب کوثر آن و خدام و غیره شاگرد و پیشه و هم صرف نمودن و

جمع کردن و اجاره مسدود کردن روزینه و ملک و غیره اختیار صاحب سجاده بوده آمده است حالا هم مالک است مص

تیم چه ارم کو اغذیه جمع خرچ آمدنی و بیست را بخوبی دریافته و فهمیده هر چه از اجراجات روزانه درگاه شریف بموجب دستور قدیم و مایه واجب باشد و آنچه در سایر دالان و روزینه دالان بموجب دستور قدیم الا یام یا بموجب اسناد شاهی باشند آنرا بحال و برقرار حسب بخواه نیز صاحب سجاده داشته آنچه لواصا باشد بافضول و به جایه بسبب رعایت و یام و رست اختیار هر کس که باشد بوقت ساختن کاغذ صاف بدست خط خود بطور دستور عمل کرده و اله صاحب سجاده کند و تغییر و تبدیل و بجایه بردن سفید و سختی حضور یا نور چشم مرزا تیمور شاه بها در نه کرده و تاکه آئینه را بنده بست و زار و شعی گرد و مص

پنهان تکیه - رقوم فوج و خرچ که بهیبه با به سبب افواج کسی میده متولی چسپانیده بود حالا از عین مالی گرفته میشود در پرگنه امیر معاف است و از دیهانت درگاه هم و صاحب سجاده گرفته میشود مص

بند مستحق - ناظم امیر مدرام معاونت صاحب سجاده و اهلکار میرزا تیمور شاه و متولی حال میکرده باشند و هر گونه در خبر گیری سامعی و مستخدم ماند و در جمیع ابواب بموجب دستور قدیم در اخلاص این و تحصیل کار که مخصوص تر شده اند بخوبی کنایه شده و در مص

نقل سه دایه شاه

(۲۲)

مستحق نموده ۱۲۰ محافظانه در بر درگاه حضرت خواجه صاحب چشمتی چون اکثر جمیع اشرف رسیده که انتظام درگاه شریف حضرت قطب الاقطاب خواجین الدین واقع و از انچه جمیع نه است استر و بر باد و خراب است و باعث استیری و بر باد بی عزیز علی متولی و غیره عمایه تحصیل که بهیبه خائن بود و اندر در تحصیل و بیست و دیگر خراجات و غیره متعلقه درگاه شریف تجوید خود آراسته امور و لواصا جاری ساخته و عین اقسام نموده چنانچه چندین همگی که بدین تعاب و تصرف بجایه انتظامی درگاه شریف تقریر متولی از طرف حضور معمول قدیم بوده است و بدل فیض منزل منقول است که صلا حیت جمیع امور درگاه شریف که مقام نیرنگان

و پیران خود است غزنوی علی متولی خائن معزول فرموده ضد مست تو لهیت بنام نور چشم
میرزا تیمور شاه بهادر و نیابت بنام سید مهدی علی خان صاحب سجاده درگاه شریف
که بموجب شد آند قدیم و قدس الدین سلطان سابق و حضرت فردوس منزل انار الله بر باد
است مقدر فرمودیم چنانچه هر کار مردم الصدء بماند لکن چنانکه مرکز خاطر اقدس عالیست سبب
شعبه بازی و بد نهادی و فیلسوفی متولی معزول که چاشنی خاد است و انجارج مدایج و راستطعام
آنجا و قالیق باقی است لهذا آنچه زمره مقتدانت و قدارک و بند و بست آن الزامه دل متطور و پیش
نهاد خاطر انور است و از پس ضرورت فرین بدست خط حضور ملفوظه شتقه کرامت عرقومه
نزد آن ندوی خاص فرستاده شد - مرقوم کتاک عنایت سلک میگرد که وصل و با نقل بند
مقتدایت مرقومه ملفف حطی خود موسومہ ناظم اجمیر شریف بنا کید اکید بدین مضمون روانه نمایند
که بر مقتدایت مرقومه قرار واقع و رسید که کاذب سابق بدستور اندرون کوکله و صاحب سجاده برآورده
معائنہ و فدوی عقیدت سرشت مولوی محمد خان که از حضور روانه شده است کارامنت و تحویل
از دست نامبرده میگرفته باشند و آنچه امین مسطور و دیوان مهدی علی خان صاحب سجاده
ظاہر کند - بموجب آن بند و بست قرار واقع گناینده مدام خبر گران بوده بروقت معایت
میکرده باشند و بعد فراغ انتظام کامل حسب رضا کے صاحب سجاده صاحب مکرور بحضور
پرنور اطلس مارع دهد - متاهل درین باب نبزد -

تخلی فرمان

(۲۳۳)

سلطان علاء الدین خلجی بنام راجه رتن سین راجه چنور مع جواب را چه موصوف -
بسیع اقدس و بجا لون ماسید که آن زبده راجگان عقیدت نشان کنیز خوش حال فرخنده
خضال از جزیره سراندیب آورد است باید که آن تحفه صنعت الهی و نمونه بذرت انیری
را برودی روانه درگاه فلک اشتباه سازد و آینه بظهور این خدمت شایسته مور و فضلا
شاهی و مطیع نظر انصاف خردی تواند بود و در صورت اخراج و نافرمانی پیدایش
کردار خواریدار سید -

نفل فرمان

(۱۰)

محمد شہنشاہ الدین شاہ بہان بادشاہ غازی مشتمل بر عطیہ موضع دلوڑہ بوجہ معاش اولاد خواہ بزرگ و کچھ

اللہ اکبر

طخڑا باہم بادشاہ بخط
شمارت

خواجہ معین الدین حشی

مہر مربع کہ اسما سے شاہ پان دہلی تا

بہ امیر تیمور صاحبقران مندرج است

چوں کہ موجب فرمان عالیشان سعادت نشان موضع دلوڑہ من اعمال عویلی پر گنہا جمیر و چہ
مدومعاش شیخ علیم الدین براخوڑہ خواجہ حسین فیروز غفران پناہ رنہوان و سنگاہ مقرب بدرگاہ
جہر و فی مستقر بود واد و دویجت حیات سپردہ در میولا کہ بعضی مقدس رسید حکم جہاں مطاع
گردوں از قلعہ شرف صدر و مغرور و بافت کہ موضع مذکور در و بست بدستور سابق بشرط
قبض و تصرف در و جہ مدومعاش مستحقان شیخ علما الدین وغیرہ اولاد شیخ حکیم الدین مرزبور از کور
و انانہ حسب الضمن مقرر و مغنوش باشد کہ حاصلات آنرا فصل فی فصل سال بہ سال صرف معیشت
خود نمودہ بدرعاگوئی و وام و دولت ابد مدت اشتغال نمودہ باشند۔ مہیا بد کہ حکام و عمال
و مستعدیان ہماست و متکفلان معاملات و جاگیر داران و کرور پان حال و استتعال و راستار
و استقرا این حکم اشرف اقدس اعلیٰ کو شعیبہ آن موضع را تبصرت مشار الہم باز گذارشتہ
از تفسیر و تبدل مصنون و تحروس نشانند و از جمیع وجوہات و عوارضات معاف و مسلم و معروف
شمرند و اگر دخل و دیگر چیزہ داشتہ باشد آنرا اعتبار نکند و شخصہ را کہ از اولاد علیم الدین نکر باشد
من یک شیخ علاؤ الدین مذکور در انوضع نشانند۔ لہذا کہ چو و حریان و مقدان و فرار خان و رعایا و
آنجا آنکہ بالواجب و حقوق و یوانی رافصل فی فصل سال لیسال آنرا نہا جواب میگفتہ باشند از
موجودہ تخلف و اطراف نوزند۔ کتر بر فی الست یخ شہر ذوی الحرام جلوس ہسارک
موافق شہر ہجری۔

حضرت خواجہ معین الدین حشی

شرح یادداشت واقع تاریخ یوم الاربعاء ہشت ہتر رمضان المبارک سال جلوس ہالون مطابق

۱۴ روز ماه الہی موافق سنہ ۱۰۵۲ ہجری سپاسگاہت و نقابت پناہ نجابت و ہدایت و دستگاہ مورد مرحام
بیکران بادشاہی طرح عنایات نمایان شایہ نشانی صدیق حلیل القدر سید جلال ولایت واقع نویسی
بندہ درگاہ معین الدین برادر زادہ خواجہ حسین بندہ قطب الاقطاب کہ در شہر حبیب کرب
سنہ جلوس ہمایون یوحس مقدس و معلی رسید کہ موعظ و لوازم اعمال پر گناہ حمیہ کرب جیب فرما
عالیشان از تواریخ ۲۲ شہر لورہ الہی سنہ ۱۰۵۲ در وہ مد و معاش عظیم الدین مقرر بود و اوقات شدہ
حکم جہاں مطاع آفتاب شعاع گردون ارتقا صاع صا و شد کہ موعظ مذکور در دست ساقی بشرط
قبض و تصرف در وہ مد و معاش شیخ علما و الدین مذکور بالا و متوفی نہرس کہ نوگزشتہ بایشیخ علما و الدین
شریک بن شہر کرب جیب تصدیق یادداشت شد بشرح بخط سیادت و نقابت پناہ عمدہ الملک الہی
آنکہ داخل واقع نمایند بشرح حاشیہ بخط سیادت و نقابت پناہ صدر حلیل القدر سید جلال آنکہ
داخل واقع نمایند بشرح حاشیہ بخط و واقع نویس مطابق واقع است بشرح بخط سیادت و نجابت
پناہ محتار لہ و الہی قافی عمدہ الملک مدار المہامی آنکہ بعرض مکرر رسید بشرح بخط اقبال پناہ اقامت
و افاقت دستگاہ سعدا و خاں آنکہ بتاریخ ۲۲ شہر رمضان سنہ جلوس ہمایون مکرر بعرض شرف
اقدس رسید بشرح بخط سیادت و نجابت حضرت دستگاہ قدوہ و انین بلند مکان عمدہ اعراس
ربیع الشان ناظم مناظر ملک و مال نایب و متنازع ملک و اقبال گنجور اسرار بادشاہی و اناسے ضمیر
الہی عمدہ الملک مدار المہامی اسلام خان آنکہ فرمان عالیشان فلی نمایند

جلال شاہ صدر

تہرید یاس

تہرید اندکس

فی التاریخ سنہ جلوس
تاریخ ۲۲ شہر محرم الحرام سنہ جلوس مطابق ۲۲ آذر ماہ الہی نقل بدقت خاص نموده شد
تاریخ ۲۲ صفر سنہ جلوس موافق سنہ ۱۰۵۲ ہجری نقل گردنہ شد مع نور محمد کرب جیب یادداشت
واقع فرمان عالیشان فلی نمایند

لواقع مطابق نموده و داخل روز نایب واقع تاریخ ۱۰ شہر رمضان سنہ معرفت نور محمد داخل شد بتاریخ
۲۲ شہر ربیع الحرام سنہ جلوس نقل شہر شد

تاریخ ۲۲ شہر جادوی الشانی سنہ جلوس ہمایون موافق سن ۱۰۵۲ کینار و پنجاہ وسہ مطابق بتاریخ ۲۳ ماہ شہر لورہ الہی